



Comparative Study on Human Cloning from the Perspective of Jurisprudence and Criminal Law of Iran and England

Mohsen Saadatjou¹, Esmail Haditabar*², Kiumars Kalantari³

1. PhD Student of Criminal Law and Criminology, Mazandaran University, Babolsar, Iran.

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Mazandaran University, Babolsar, Iran. (Corresponding Author)

3. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Mazandaran University, Babolsar, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 1-12

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-3351-2793

TELL: +989112146735

Email: e.haditabar@umz.ic.ir

Article history:

Received: 25 Jun 2023

Revised: 11 Nov 2023

Accepted: 20 Nov 2023

Published online: 22 Dec 2023

Keywords:

Biotechnology, Assimilation, Cloning.

ABSTRACT

Cloning is one of the most advanced human steps in the field of medical science and genetic engineering and the beginning of a biotechnology revolution. The purpose of this article is to compare human assimilation from the perspective of the criminal law of Iran and England. The mentioned article is descriptive and analytical and library method is used. Currently, according to the criminal laws of Iran, none of the types of human assimilation processes have been criminalized. All kinds of assimilation processes in Iran's criminal law is purposeful, lawful, free, conscious, beneficial and useful action and in accordance with the expanding needs of today's mankind and in accordance with the rights and general interests of society and ethics, order and security and has no legal prohibition. While in the criminal law of the UK, only proliferative assimilations and the trade of egg cells, ovum cells, and cells containing mitochondria, which are related to this type of assimilation, are considered illegal and are subject to fines and fines. Subjective and restrictive laws in the English judicial system, as mentioned, are known to be in conflict with the undisputed principles of the English Constitution, which is an unconditional supporter of the principle of human free will and freedom.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Saadatjou, M; Haditabar, E & Kalantari, K (2023). "Comparative Study on Human Cloning from the Perspective of Jurisprudence and Criminal Law of Iran and England" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(4): 1-12.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲

بررسی تطبیقی همسان‌سازی انسانی از منظر فقه و حقوق کیفری ایران و انگلستان

محسن سعادت‌جو^۱، اسماعیل هادی تبار^{۲*}، کیومرث کلانتری^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

چکیده

استنساخ یا شبیه‌سازی یکی از پیشرفته‌ترین گام‌های آغازین بشر در زمینه علم پزشکی و مهندسی ژنتیک و شروع یک انقلاب بیوتکنولوژی است. هدف مقاله حاضر، بررسی تطبیقی همسان‌سازی انسانی از منظر حقوق کیفری ایران و انگلستان است. مقاله مورد اشاره توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. در حال حاضر مطابق با قوانین جزایی ایران هیچ‌یک از انواع فرآیندهای همسان‌سازی در انسان، جرم‌انگاری نشده‌اند. چنین مستفاد و استنباط می‌گردد که انواع فرآیندهای همسان‌سازی در حقوق کیفری ایران به‌عنوان اقدامی هدفمند، قانون‌مند، آزادانه، آگاهانه، سودمند و مفید و مطابق با نیازهای روبه‌گسترش بشر امروز و موافق با حقوق و منافع عمومی جامعه و اخلاق، نظم و امنیت جامعه منع قانونی ندارد. درحالی‌که در حقوق کیفری نظام انگلستان صرفاً همسان‌سازی‌های تکثیر‌گرایانه و تجارت سلول تخم و سلول تخمک و سلول حاوی میتوکندری، که مرتبط با این نوع از همسان‌سازی باشد، غیرمجاز تلقی گردیده و مشمول جریمه و جزای نقدی است. قوانین موضوعه و محدودکننده در نظام قضایی انگلستان به شرحی که ذکر گردیده است با اصول بلامنازع قانون اساسی انگلستان که حامی بی‌قیدوشرط اصل اختیار و آزادی گسترده انسان می‌باشد، متعارض شناخته می‌شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱-۱۲

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکید: ۲۷۹۳-۳۳۵۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۱۲۱۴۶۷۳۵

ایمیل: e.haditabar@umz.ic.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

بیوتکنولوژی، همسان‌سازی، استنساخ.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

فرآیند همسان‌سازی که به آن استنساخ گفته می‌شود عبارت است از ساخت موجودی مشابه با نوع اولیه آن در انسان و البته بدون نیاز به وجود جنس مخالف یا سلول جنسی مخالف که از آرزوهای دیرینه بشر از روزگاران دوردست تاکنون بوده است. با پیشرفت مداوم و بی‌وقفه در جهان علم طی چند دهه اخیر آرزوی همسان‌سازی و ساخت موجودی مشابه و بدون وجود سلول جنسی مخالف تحقق عینی و واقعی یافت. برای تحقق این رؤیای دیرینه بشر ناگزیر بود بدو راه‌های ساده‌تر را بیاماید و بدین‌سان بود که در آزمایشگاه حیوانات تراریخت (ترانس ژنیک) از طریق دست‌کاری و نوترکیبی در ژنوم و دی.ان.ای سلول‌های آن‌ها و از طریق دانش ژنتیک مندلی و مولکولی تولید گردید (انصاری و طاهری، ۱۳۸۸: ۶۶/۱).

تدریجاً و در مسیر تکامل رؤیاهای دیرینه انسان، همسان‌سازی کامل حیوانات و انسان‌ها (کلونینگ) تحقق یافت. بدین‌سان در دهه سی میلادی، اولین موش کایمری و ترانس‌ژنیک (تراریخته) ایجاد شد و سپس و تدریجاً در سال ۱۹۷۵ و ۱۹۸۶ گونه‌هایی از خرگوش، گوسفند، خوک، پرندگان و ماهی تراریختی با استفاده از انتقال ژن‌ها از طریق تزریق مستقیم دی.ان.ای با یک یا چند ژن ویژه یا الحاق سلول‌های بنیادین جنینی و واسطه‌گر انتقال ژن و یا کمک رترو ویروس‌های نوترکیب مصنوعاً تولید گردید (بجنوردی، ۱۳۸۸: ۲۵). با بروز اولین موجود شبیه‌سازی‌شده حیوانی توسط دانشمندان اسکاتلندی در مؤسسه روسلین که به آن **دالی گوسفند** می‌گفتند واکنش‌های شدیدی در عالم مسیحیت و اسلام و در میان حقوق‌دانان و سیاستمداران و دیوان‌سالاران شرق و غرب ایجاد شد. گرچه ماهیتاً شبیه‌سازی اقدامی در جهت بازتولید و تکثیر یک ارگانیزم خاص و یک حیوان خاص بوده است، لیکن امید به شبیه‌سازی باعنوان علمی نو و بیوتکنولوژی مدرن یا دخالتی فراگیر در خلقت موجودات همواره به جهت حقوقی و پزشکی بحث‌برانگیز و جنجال‌آفرین می‌نموده است و به‌عنوان چالش جدی عصر حاضر برای همه حقوق‌دانان،

دانشمندان علوم پزشکی، سیاستمداران، دیوان‌سالاران، فلاسفه، دانشمندان علوم اجتماعی و علمای دینی مطرح گردید زیرا اساساً این امور نوین، اموری مستحدثه و نوآورانه می‌باشد و گاه و به همین سبب نوآورانه بودن خود و نداشتن مصادیقی مشابه، مورد هجمه، بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گرفته است. به‌دلیل نوظهور بودن موضوع تحقیق تلاش شده همسان‌سازی به صورت تطبیقی با حقوق انگلستان مورد بررسی قرار گیرد. سؤالی که در این مقاله مطرح و بررسی می‌شود این است که رویکرد فقه، حقوق کیفری ایران و انگلستان در خصوص همسان‌سازی انسانی چگونه است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا، فرایند همسان‌سازی، سپس همسان‌سازی در فقه بررسی شده و در ادامه از رویکرد حقوق ایران و انگلستان در این خصوص بحث شده است.

۱- فرایند همسان‌سازی

درمجموع شبیه‌سازی ممکن است با سه هدف و دیدگاه کلی انجام شود: الف) شبیه‌سازی صرفاً درمانی که هدف آن ایجاد جنین‌های انسانی و حیوانی برای استفاده در تحقیقات پزشکی، ژنتیکی و مولکولیست و می‌توان با کمک تکثیر سلول‌های بنیادی غیرجنسی، سلول‌های موردنیاز را از جنین استخراج نمود و بدین‌سان سلول‌های تکثیرشده از پدیده‌های همسان‌سازی جایگزین مناسبی برای سلول‌های آسیب‌دیده در برخی بیماری‌های مقاوم به درمان از جمله آلزایمر، سرطان، میاستانی گراویس و حتی احتمالاً ساخت اندام‌ها و یا ارگان‌های آسیب‌دیده از بدن و یا تکثیر بافت جنینی برای درمان ناباروری که در این مورد درمانی، از سلول‌های غیرجنسی والدین، موجودی شبیه‌سازی خواهد شد.

ب) شبیه‌سازی تکثیر شونده و بازتولیدی برای تکثیر موجودی مشابه (انتقال ژنوم سلول غیرجنسی تکثیر شونده به یک سلول تخم سپس تحریک با جریان‌های الکتروشیمیایی به‌منظور تکثیر و تقسیم مکرر سلولی و مشابه یک جنین) که در این شیوه، موجودی تقریباً و حداکثر ۱۳ درصد شبیه‌سازی‌شده با سلول دهنده آن و از

صادر کرده‌اند. درحالی‌که برخی آن را کاملاً مجاز و برخی دیگر آن را حرام شمرده‌اند.

برخی از فقها و صاحب‌نظران به دلیل نبود نصی خاص و روشن که بر حرمت شبیه‌سازی انسانی دلالت کند و به استناد قاعده «کل شیء لک حلال حتی تعلم انه حرام بعینه فتدعه» و نیز به استناد اصل اباحه اصلیه، شبیه‌سازی انسانی را مجاز شمرده‌اند (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۶۰/۱۲). برای مثال در برابر این پرسش که: آیا شبیه‌سازی و تکثیر انسان در آزمایشگاه و از طریق روش‌های پیشرفته علمی (کلوناز) جایز است؟ پاسخ برخی از فقها بدین شرح است: برخی از جمله سید علی سیستانی، آیت‌الله عزالدین زنجانی، آیت‌الله فاضل لنکرانی معتقدند فی‌نفسه مانعی ندارد، مگر این‌که محرز شود توالی فاسد دارد (صادقی، ۱۳۸۳: ۷۹). آیت‌الله موسوی‌اردبیلی و آیت‌الله سید محمد سعید حکیم بر این نظرند که اگرچه شبیه‌سازی در مورد انسان تاکنون به مرحله عمل نرسیده است و بدین سبب نامعلوم است که نتایج آن چگونه باشد، ولی دلیل قوی و محکمی بر حرمت چنین تحقیقات و آزمایش‌هایی وجود ندارد (مرکز تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۸۱: ۲۳۱). علامه فضل‌الله نیز نه تنها شبیه‌سازی انسانی را مغایر سنت خدا نمی‌داند، بلکه آن را گامی در جهت فهم عمیق‌تر سنت‌های نهان در هستی معرفی می‌کند. وی بر این نظر است که این مسأله نه از نظر اعتقادی مشکلی دارد و نه از نظر شرعی و فقهی، لیکن به‌طور طبیعی مانند هر مسأله تازه‌ای ممکن است ابهاماتی در فقه پدید آورد که نیازمند فهم و بررسی است. ایشان با دعوت به عقلانیت و پرهیز از تکفیر یکدیگر، تا جایی پیش رفت که گفت اگر علم قطعی با برخی از ظواهر دینی تعارض پیدا کرد، باید آن ظواهر را تأویل نمود (فضل‌الله، ۱۹۹۷: ۱۰۰). نصوص موجود و به استناد اصل اصالت‌الاباحه در این مورد، شبیه‌سازی انسانی را مجاز شمرده‌اند، اما بر این نظرند که انجام گسترده شبیه‌سازی انسانی مشکلاتی فراهم می‌آورد؛ مانند وجود افراد همانند و دشواری بازشناسی آنان از یکدیگر؛ در نتیجه، آنان حکم به جواز موردی و فردی داده و آن را در سطح کلان غیرمجاز شمرده‌اند. از این منظر شبیه‌سازی انسانی تنها به‌گونه‌ای

همان جنسیتی از والد که سلول غیرجنسی را اهدا نموده است، ایجاد می‌شود زیرا فقط ژنوم کروموزومی آن شبیه اهدا کننده ژنوم است و به همین دلیل و باوجود آثاری از سیتوپلاسم متعلق به سلول میزبان و گیرنده ژنوم، مشابهت صددرصدی با اصل و سلول اهداکننده ژنوم مورد نظر موجود نیست. زیرا دو درصد از ژنوم موجود در میتوکندری موجود در سلول تخم که به غیر اهداکننده آن تعلق دارد موجب می‌شود که موجود همسان‌سازی شده به‌طور ۲۰۰ درصد با اصل خود شبیه نباشد، لازم به توضیح است شبیه‌سازی برای ساخت عین انسان بدواً توسط مؤسسه علمی و تحقیقاتی کلونایت در آمریکا و از طریق تکثیر یکی از سلول‌های بنیادی پوست یک زن آمریکایی ۳۲ ساله گزارش شده است که نام آن را Eve (حوا) گذاشته‌اند که متأسفانه به دلایل سیاسی عقیدتی و اقدامات سخت‌گیرانه جمهوری خواهان در آن زمان، هیچ اطلاع دقیقی درخصوص این مصنوع همسان‌سازی شده فعلاً در دسترس نیست (پژوهشکده ابن سینا، ۱۳۸۲).

ج) اقدامات ترانس ژنتیک و انتقال بخشی از ژن‌ها توسط یک وکتور و تکه‌ای از دی. ان. ای اصلی و یا انتقال بخشی از ژن‌ها توسط واسطه‌گرهای انتقال ژنتیک مثل باکتری‌ها برای ساخت و بازتولید دی. ان. ای و ژنوم جدید در سلول دریافت‌کننده و نهایتاً اصلاح پلکانی ژن‌ها و درمان بیماری‌ها یا تولید اندام‌ها یا ارگان‌هایی مشابه و کپی شده با اصل آن اندام یا عضو معیوب برای پیوند و جانشینی در اندام یا عضوی بیمار یا ناقص. ضمناً بیماری‌های صعب‌العلاج هم‌چون سرطان‌ها و انواع بیماری‌های ژنتیکی قابل‌درمان و کم‌خونی‌های وراثتی و حتی ناباروری درمان‌ناپذیر با این شیوه نوآورانه و جدید قابلیت درمان می‌یابد (مرقاتی، ۱۳۸۶: ۱۹۵/۱).

۲- همسان‌سازی از منظر فقه

درباره حکم شبیه‌سازی انسانی، در میان فقهای شیعه اتفاق نظر وجود ندارد؛ آنان درباره شبیه‌سازی انسانی نظریات متفاوت و گاه متضادی اتخاذ کرده و فتاوی مختلف

عمل را بدترین اتفاق در تاریخ بشر و به‌عنوان محاربه با خدا دانسته‌اند (Meselson, 1961: 868).

انواع فرآیندهای همسان‌سازی مصنوعی با توجه به آن‌که اموری نو پا و جدید است و اصطلاحاً مستحدثه شناخته می‌شود با هیچ‌یک از مصادیق معروف و موجود قبلی در شریعت و فقه مدنی و جزایی، چون سقط‌جنین، زنا، مساحقه، تشحید، نزدیکی به شبهه، جزعاً یا کلاً قابلیت انطباق ندارد. بنابراین حکم تکلیفی و تحریمی مربوط به این مصادیق نیز بر این اعمال نوین (بیوتکنولوژی‌های جدید همسان‌سازی) جاری نیست و با استظهار اصاله‌الاباحه و اصل برائت عقلی و شرعی این امور نوین (بیوتکنولوژی‌های همسان‌سازی) مجاز و مباح است.

۳- همسان‌سازی از منظر حقوق جزای ایران و حقوق انگلیس

در حال حاضر مطابق با قوانین جزایی ایران هیچ‌یک از انواع فرآیندهای همسان‌سازی جرم‌انگاری نشده‌اند و از طرفی پیروی از اصالت البرائه و اصل ۳۷ قانون اساسی ایران و سایر منابع فقهی و سیره و سنت پیامبر اکرم (ص) موجب می‌گردد که هیچ فعل و ترک فعلی را بدون آن‌که ضمانت جزایی و کیفری داشته باشد نتوان در زمره جرایم محسوب نمود و بدین سبب با وضع موجود قوانین و مقررات قانون جزایی ایران هیچ‌یک از انواع فرآیندهای همسان‌سازی وصف مجرمانه ندارند، لیکن با تأسی از اصل ۱۶۷ ق.ا و استفاده از دیدگاه‌های فقها معاصر و بهره‌وری از اصل مترقی استصلاح، چنین مستفاد و استنباط می‌گردد که انواع فرآیندهای همسان‌سازی در حقوق کیفری ایران اقدامی هدفمند، قانون‌مند، آزادانه، آگاهانه، سودمند و مفید و مطابق با نیازهای روبه‌گسترش بشر امروز و موافق با حقوق و منافع عمومی جامعه و اخلاق، نظم و امنیت جامعه و در راستای اصل حاکمیت آزادی‌های فردی است و چون حداکثر احترام را به نفس و جان انسان قائل می‌باشد و هیچ‌یک از اصول منشور اخلاق زیستی و اسلامی را نقض نمی‌نماید، بنابراین انواع فرآیندهای همسان‌سازی در حقوق ایران به شرحی که در پژوهش مورد مطالعه و انعکاس قرار گرفته

موردی و در سطح فردی و محدود مجاز است. استاد حسن جواهری این نظر را مطرح کرده‌اند که شبیه‌سازی فی‌نفسه و به‌عنوان اولی، اشکالی ندارد، به شرط آن‌که همراه با عمل حرام دیگری نباشد؛ اما اگر این کار در سطح وسیعی صورت گیرد و بر اثر تشابه تام موجب اختلال نظام گردد، حرام خواهد بود (جواهری، ۱۳۸۵: ۸۱).

برخی از فقهای شیعه بر این نظرند که شبیه‌سازی انسانی فی‌نفسه و به‌عنوان اولیه اشکالی ندارد و به استناد اصاله‌الاباحه، جایز است؛ لیکن انجام آن به مفسادی اجتناب‌ناپذیر خواهد انجامید. از این رو، برای پیشگیری از این مفساد، شبیه‌سازی انسانی به‌عنوان ثانوی حرام به شمار می‌رود. شبیه‌سازی به‌عنوان اولی جایز است، ولی با عناوین ثانوی و آثار سوء مترتب بر این کار، حرام می‌گردد. البته فتوای دیگری از ایشان در دست است که در آن این قطعیت و تأکید بر مفساد حتمی شبیه‌سازی انسانی وجود ندارد و حکم مسأله به‌گونه‌ای مشروط بیان و حتی شبیه‌سازی انسانی در موارد نادر مجاز شمرده شده است. اگر شبیه‌سازی به اختلال در نظام اجتماعی مانند عدم تشخیص ستمگر از ستم‌دیده و محرم از نامحرم و وارث از غیر وارث و غیر آن بینجامد، شبیه‌سازی حرام می‌گردد و این است معنای در معرض تهدید قرار گرفتن حقوق انسان یا زیان دیدن مصالح فرد و جامعه. اما شبیه‌سازی به شکلی نادر که به مفسادی از این قبیل بینجامد حرام نیست و توجیهی برای منع آن وجود ندارد (حائری، ۱۴۱۹: ۵۷۳).

مجموعه جامعه‌الازهر مصر و یا مجمع فقه اسلامی جده که نظر این دو مجمع عالیه تسنن به‌عنوان شاخص‌ترین نظر علمای اهل تسنن تلقی می‌گردد هر دو شبیه‌سازی به معنای تولید یک انسان جدید بدون وجود انسان دیگر با شبیه‌سازی برای تولید اعضاء و پیوند عضو را از یکدیگر تفکیک کردند، به‌گونه‌ای که شبیه‌سازی انسان را ممنوع و شبیه‌سازی اعضا را جایز دانستند، درعین حال افرادی هم بودند که نظرات متفاوتی نیز داشتند، به‌گونه‌ای که برخی از علمای اهل تسنن موضع‌گیری‌های شدیدی در برابر این عمل داشتند و کاملاً این کار را ممنوع اعلام کردند و این

راستا هر یک به دلایل متعدد تمسک جست‌اند. بر این اساس برخی از کشورها با توجه به رویکردهای مذهبی، فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی خود با این پدیده برخورد نموده و در سیر قانون‌گذاری خویش به جرم‌انگاری آن پرداخته‌اند. متأسفانه در قوانین موضوعه ایران این پدیده مانند سایر پدیده‌های علمی و اجتماعی که خیلی دیر در عرصه قانون‌گذاری کشور وارد می‌شود تاکنون در سیر قانون‌گذاری قرار نگرفته است و حتی پیش‌نویسی تهیه نشده که در دست‌بررسی باشد. هم‌چنین دولت‌مردان هیچ‌گونه موضع رسمی که نشان‌دهنده سیاست جنایی ایران در قبال این پدیده باشد، اعلام نکرده‌اند. این در حالی است که ایران از جمله معدود کشورهای جهان است که به تولید سلول‌های بنیادین رویان انسان دست‌یافته است (Salabaro, 2003: 15). دولت‌ها با توجه به رویکردهای فرهنگی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی حاکم بر جوامع خود به شبیه‌سازی انسان توجه داشته و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی درصدد وضع مقرراتی جهت قاعده‌مند نمودن این فناوری و اجرای آن برآمده‌اند. رویکردها و تفکرات حاکم در حوزه ملی و بین‌المللی در خصوص برخورد با مقوله شبیه‌سازی به دو صورت پدیدار گردیده است.

تغییرات ژنتیکی به‌طور گسترده‌ای با اصول حقوق بشری در تعامل و ارتباط تنگاتنگ است. در همین راستا تأیید چندباره کرامت انسانی و حقوق گوناگون بشر در اسناد بین‌المللی حقوق بشری، گویای این است که جامعه بین‌المللی از تأثیر دست‌کاری ژنتیکی بر حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر آگاه است و قصد حمایت از این حقوق را دارد. با این موازین به نظر می‌رسد علاوه بر جنبه‌های اخلاقی و دینی، شاخه سومی به نام حقوق بشر و اصول حقوقی حاکم بر تغییرات ژنتیکی نیز می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. از منظر اصول حقوق بشری نیز بشر حق دارد که اولاً علوم را در غایت ممکن آن به‌پیش ببرد و نمی‌توان وی را از چنین حقی محروم نمود و ثانیاً حق در برخورداری از فناوری به‌منظور نیل به یک زندگی بهتر که این خود از نتایج بارز علم ژنتیک است، البته نمی‌توان از پیامدهای منفی این دانش نیز غافل بود که خود علیه حقوق و کرامت بشری است. البته این خطر

است به نظر نگارنده و پژوهشگر، مطابق با اصالت الاباحه عقلاً و شرعاً قانونی، مشروع و مباح تلقی می‌گردد و فاقد وصف مجرمانه است.

در انگلیس، واکنش‌های تند و سرسختانه منجر به قانون منع انجام همسان‌سازی تکثیرگرایانه در انسان در مورخ ۲۱ نوامبر ۲۰۰۱ در مجلس اعیان گردید و نهایتاً منجر به وضع قوانینی سخت‌گیرانه و با ضمانت اجراهای کیفری و مدنی در سطح نظام قضایی انگلستان گردید و نتیجتاً مطابق با قوانین موضوعه مذکور، تجارت سلول تخم و سلول تخمک و سلول حاوی میتوکندری، که مرتبط با این نوع از همسان‌سازی باشد، غیرمجاز تلقی گردیده و مشمول جریمه و جزای نقدی است. استفاده از بودجه‌های دولتی برای انواع همسان‌سازی‌های درمانی و پژوهشی مجاز شناخته شده‌اند لیکن استفاده از بودجه‌های عمومی و دولتی برای همسان‌سازی‌های تکثیرگرایانه و تجارت (خرید، فروش، اجاره) سلول تخمک، سلول تخم و سلول حاوی میتوکندری در این موارد و در خصوص انواع همسان‌سازی‌های تکثیر گرایانه غیر مجاز اعلام گردیده است (خلفی، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

دلایل مختلفی برای مخالفت با همسان‌سازی در حقوق برخی کشورها از جمله حقوق انگلیس وجود دارد. شبیه‌سازی یکی از فناوری‌های زیستی است که می‌تواند اصل عدم تبهکاری و زیان نرساندن را نقض کند. شبیه‌سازی به‌عنوان تکنولوژی نوظهور، کانون توجه دولت‌مردان، پزشکان، حقوقدانان و سایر محافل علمی قرار گرفته است. این پدیده علاوه بر این که دریچه‌ای نو به روی جامعه بشری در خصوص خصایص درمانی‌اش باز می‌کند، نگرانی‌هایی را پیش روی جامعه بشری قرار می‌دهد. این فناوری به دو بخش شبیه‌سازی انسانی یا مولد و شبیه‌سازی درمانی یا پژوهشی تقسیم می‌شود. اولین معنی که با توجه به عبارت مذکور به ذهن متبادر می‌گردد در مفهوم ساده ایجاد و شکل‌دهی یک موجود انسانی شبیه انسانی دیگر است (Fakor, 2018: 145-170). با توجه به کاربرد این تکنولوژی و معایب احتمالی آن، به‌کارگیری و بهره‌بردن از این پدیده موافقان و مخالفانی را به همراه داشته که در این

منحصر به ژنتیک نیست و هر دانشی این آسیب‌های بالقوه را با خود به همراه دارد.

در رابطه با تعامل میان اصول حقوق بین‌الملل بشر و تغییرات ژنتیکی، اصل حفظ تنوع زیستی از اصول مهم در این موضوع می‌باشد. منشور جهانی طبیعت، مصوب ۲۸ اکتبر ۱۹۸۲ میلادی مجمع عمومی ملل متحد، در مقدمه خود بیان می‌دارد که بشریت جزئی از طبیعت است و هر یک از گونه‌های زیست، منحصر به فرد بوده و ارزش مراقبت را دارد. بقای ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تمدن و در نهایت حفاظت از صلح به حفاظت از طبیعت و منابع آن بستگی دارد، از این رو هرگونه عمل انسانی از جمله تغییرات ژنتیکی نامطلوب در نوع گیاه و حیوان که بر طبیعت اثر بگذارد باید بر پایه اصول این منشور هدایت شده و مورد قضاوت قرار گیرد (Patterson, 1997: 138).

در مقدمه یادشده، نکته دارای اهمیت آن است که گونه‌های زیست و از جمله گونه زیست انسان، دارای ارزش مراقبت شناخته شده است و هرگونه عمل انسان از جمله دست‌کاری ژنتیکی که دارای تأثیر بر طبیعت که بشریت جزئی از آن تلقی شده است، باشد، باید ارزش یادشده و اصل حقوقی مطروحه را رعایت نماید.

هم‌چنین بسیاری از آزمایش‌های انسانی روی حیوانات انجام می‌شود، افزون بر پژوهش‌های آزمایشگاهی، شبیه‌سازی و پرورش حیوانات به کمک روش‌های مصنوعی برای بهره‌برداری یا تولید بیشتر مواد غذایی و صنعتی، از دستاوردهای دست‌کاری ژنتیکی می‌باشد. نگرانی‌ها در مورد دست‌کاری بیوتکنولوژیک حیوانات نیز بسیار است. بروز بیماری‌های کشنده مانند جنون گاوی از پیامدهای این‌گونه دست‌کاری‌ها است که موجب به هم خوردن تعادل زیستی می‌شود (Rasekh, 2010: 277).

اما تأکید اصول بین‌المللی حقوق بشر در اسناد متعدد بین‌المللی بر لزوم حفظ اشکال حیات گونه‌های طبیعی و مراقبت از آن‌ها و حتی در مواردی طرح مسأله حق بر میراث مشترک بشریت در مسأله ژنوم انسانی نشان می‌دهد که

جامعه بین‌المللی در زمینه تغییرات ژنتیکی به احتیاط اعتقاد بیشتری دارد.

در برخی از اسناد بین‌المللی حقوق بشری به رابطه میان اصل عدم تبعیض و اصل برابری جنسیت‌ها و مسأله تغییرات ژنتیکی نامطلوب اشاره شده است. به‌طور نمونه در مواد ۲، ۵، ۶ و ۷ بیانیه جهانی حقوق بشر مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی و مواد ۱ و ۵ کنوانسیون حقوق بشر و طب زیستی اروپا مورخ ۴ آوریل ۱۹۹۷ میلادی، اعمال اصول برابری و عدم تبعیض و حق آزادی و شأن انسانی و زندگی خصوصی در ارتباط با کشفیات مربوط به ژن‌های انسان و به رسمیت شناختن ارزش‌های بشری مورد اشاره قرار گرفته است. علاوه بر این ماده ۶ اعلامیه ژنوم انسانی و حقوق بشر تصریح می‌کند که هیچ فردی نباید بر اساس ویژگی‌های ژنتیکی باهدف نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در معرض تبعیض قرار گیرد. هم‌چنین در ماده ۱۰ همین کنوانسیون و ماده ۲ بیانیه ذکر شده، به این نکته اشاره دارد که حفظشان و هویت انسانی حتی اگر دامنه این حمایت در اسناد و اصول بین‌المللی مشخص نشده باشد هم در مورد هویت انسانی و هم هویت ژنتیکی بشر مصداق دارد. بنابراین در میان اصول بین‌المللی حقوق بشری اصولی یافت می‌شود که ارتباط تنگاتنگی با موضوع تغییرات ژنتیکی دارد.

در خصوص اصول و قوانین مرتبط با ژنتیک باید اظهار داشت که صرفاً جنبه‌های علمی را نمی‌توان مدنظر قرارداد بلکه می‌بایست اصول دیگری را نیز مدنظر قرارداد که از جمله آن‌ها اصول اخلاقی، دینی و حقوق بشری است. در تمامی کشورهای جهان جایگاه اخلاقیات در تنظیم و تقنین قوانین امری یقینی و حتمی است و ارزش‌های اخلاقی جوامع جایگاه والایی در تدوین و تقنین قوانین دارد. در قلمرو ژنتیک با توجه به اهمیت این حوزه و نیز حساسیت‌های اخلاقی آن دیدگاه‌های متفاوتی در این خصوص وجود دارد. همان‌طور که در مبحث پیشین به آن اشاره شد، برخی اقدامات ژنتیکی را موافق با ارزش‌های اخلاقی می‌دانند و از این حیث که فناوری ژنتیک با تأثیر خود بر محصولات غذایی گیاهی و جانوری سبب بهبود

۴- بحث و استدلال

اولاً ممکن است انواعی از فرآیندهای همسان‌سازی، خودبه‌خود و در طبیعت رخ دهد همچنان که بخش عمده‌ای از موجودات تک‌یاخته‌ای و باکتری‌ها و آغازیان‌ها و زنبورهای عسل و کرم‌ها و گروهی فراوان از گیاهان با چنین شیوه‌ای از بدو خلقت و پیدایش تکثیر گردیده‌اند و در حیوانات و انسان نیز پیدایش دوقلو یا چند قلوهای همسان یا مشابه خودبه‌خود در طبیعت رخ می‌دهد و خالق هستی‌بخش، مستمراً و مکرراً هرآینه و امرانه آن را انجام می‌دهد پس همسان‌سازی به‌عنوان پدیده‌ای طبیعی در خلقت انجام می‌شود، بنابراین بیوتکنولوژی جدید همسان‌سازی مصنوعی نیز یقیناً تداوم روند طبیعی و مستمری است که همچنان در خلقت جاری می‌باشد.

فرآیند همسان‌سازی نیز همچون سایر علوم جدید و مستحدثه و نو پا با پیدایش خود چون خارج از درک و فهم سنت‌گرایان و محافظه‌کاران است، همیشه واکنش‌های تند و شدیدی را به دنبال داشته است زیرا معمولاً اتفاق و اجماع نظر اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فلسفی در خصوص پدیده‌های نوپا و جدید امری غیرمحمتمل است و هر کس بنا بر فراخور درک و فهم خویش آن‌را در بوته انتقادات فراوان خود قرار داده است که بعضاً غیرمنصفانه است زیرا هر پدیده نو و جدید بایستی فرآیند و محصول خود را ارائه کند تا بتوان بر آن انتقاداتی منصفانه وارد نمود درحالی‌که هنوز اندکی از شروع فرآیند همسان‌سازی نگذشته بود و هیچ محصولی از آن در عالم واقع ارائه نگردیده بود تا بتوان با قضاوت و بررسی آن منصفانه انتقاد نمود بنابراین بدون پیدایش مصادیق عینی و ملموس در عالم خارج از فرآیندهای همسان‌سازی شده هر نوع مخالفت از سوی اندیشمندان در حوزه اخلاق امری پیش‌داورانه و غیرمنصفانه تلقی می‌گردد زیرا در دنیای کنونی مصادیق واقعی و عینی باید در بوته نقد و تجربه قرار گیرد و سپس حکم کلی پدیده‌های جدید صادر شود و بدون حضور مصادیق واقعی از بیوتکنولوژی‌های جدید همسان‌سازی، هر نوع پیش‌دآوری در خصوص آن‌ها امری غیراخلاقی است.

معیشت انسان‌ها و تولید غذا می‌شود با آن موافق‌اند و در خصوص ژنتیک انسانی نیز با توجه به این مهم که ژنتیک می‌تواند نواقص موجود در میان انسان‌ها را برطرف نماید و زمینه‌ساز تولد انسان‌های سالم گردد، آن را کاملاً امری اخلاقی می‌دانند. درمقابل عده‌ای با این استدلال که ارزش‌های اخلاقی بر پایه روابط دست‌کاری نشده انسان‌ها قابل‌تصور است و نمی‌توان با این به‌اصطلاح توجیهات زمینه‌ساز مداخله ژنتیک در حوزه‌های مختلف شد، دانش ژنتیک را امری مغایر با اخلاقیات می‌دانند، چراکه روال طبیعی زندگی بشر را به مخاطره می‌اندازد و یک ساختار تصنعی را بر آن حاکم می‌کند (Skage, 1998: 86-88).

امروزه فناوری زیستی و مسأله تغییرات ژنتیکی، هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی توسعه‌یافته است. در پرتو سرعت پیشرفت فناوری زیستی، احترام به اصول اخلاق زیستی هم به یک ضرورت تبدیل شده است. اعلامیه حقوق بشر و برنامه عمل وین (۱۹۹۳) در بند یازده تصریح می‌کند که پیشرفت خاص، به‌ویژه در طب زیستی و علوم حیاتی و در فناوری اطلاعات ممکن است به‌طور بالقوه عواقب نامطلوب برای تمامیت، کرامت و حقوق انسانی افراد داشته باشد، از این‌رو درخواست می‌کند برای تضمین احترام کامل به حقوق بشر و منزلت انسانی در حوزه‌های موردتوجه جهانی، همکاری بین‌المللی صورت گیرد. کنفرانس عمومی یونسکو در حوزه‌های مرتبط با اخلاق زیستی و تغییرات ژنتیکی اقدامات قابل‌توجهی مبذول کرده است. اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر و اعلامیه بین‌المللی داده‌های ژنتیک انسانی، دو اعلامیه صادره توسط یونسکو هستند که از اتقان، انسجام، شفافیت و جامعیت برخوردارند که در مبحث پیش رو به آن پرداخته می‌شود (Ghorban Nia, 2009: 133-138). برخی نگرانی‌ها درخصوص فناوری مهندسی ژنتیک در بین عموم مردم و دانشمندان وجود دارد. از این‌رو به منظور استفاده ایمن از فواید و مزایای فناوری مذکور مجموعه تدابیر و مقرراتی اتخاذ شده است که به آن ایمنی زیستی می‌گویند. هدف از ایمنی زیستی جلوگیری از بروز انواع مخاطرات در اثر استفاده از مواد زیستی در مقیاس انبوه است.

مخلوقات او، ناچار است از طریق یکی از جانشین‌های خالق هستی (عامل پویای اقدامات بیوتکنولوژیک و همانندسازی) با جهان هستی و محیط آن تعامل کند و در چنین فرآیند و صنعتی است که موجودی همسان ایجاد می‌شود، ژن‌های نامتعادل حذف شود و گاه ژن‌هایی برای ارتقاء کمی و کیفی موجود زنده به ژنوم اصلی اضافه شود و این مسیر راز تکامل و خلقت می‌باشد و مکرراً در چرخه خلقت در حال انجام است و منطبق با حوادث موجود در خلقت به عبارتی این حوادث راز خلقت، راز تکامل و نیاز ازلی و ابدی همه موجودات و از جمله انسان به‌عنوان (غایت موجودات و هستی) تلقی می‌گردد.

چنانچه در فرآیند مصنوعی همسان‌سازی تکثیری، احیاناً کودکی نیز بتواند مصنوعاً ایجاد شود با استفاده از اصل آزادی اختیار و احترام به حاکمیت آن می‌توان استنباط نمود که چون یکی از شیوه‌های انتخاب و اختیار برای بشر آزادی انتخاب در شیوه تولیدمثل وی می‌باشد، با این توصیف، مولودی که مصنوعاً و با این انتخاب آگاهانه، ایجاد می‌گردد، قانوناً و شرعاً منسوب است به اصل خود (والدی که سلول تکثیر شونده را برای فرآیند همسان‌سازی در اختیار می‌گذارد) یا ذی‌نفع یا متقاضی فرآیند همسان‌سازی که درخواست همسان‌سازی را به مؤسسات معتبر این فرایندهای بیوتکنولوژیک ارائه می‌نماید.

بنابراین شخص متقاضی دریافت کودک همسان‌سازی شده عرفاً هر یک از اشخاص حقیقی و یا حقوقی می‌باشند و بنابراین، شخص حقیقی یا حقوقی اخیرالذکر، عرفاً و قانوناً مشمول و عهده‌دار کلیه وظایفی است که در خصوص ابوت، حضانت، نگهداری، وراثت، نسب، نفقه در ضمن مواد ۱۱۶۸ الی ۱۱۷۹ ق.م. برای والدین شرعی و قانونی مقرر گردیده است.

نتیجه‌گیری

در ایران در حال حاضر مطابق با قوانین جزایی ایران، هیچ‌یک از انواع فرآیندهای همسان‌سازی در انسان، جرم‌انگاری نشده‌اند، بنابراین و به تأسی از اصل ۱۶۷ ق.ا و

در پژوهش حاضر نگارنده بر این باور است که اساساً همه فرآیندهای همسان‌سازی، موجب فواید آشکار فراوانی است و موجب از بین رفتن عسر و حرج انسان و کاهش آلام و دردهای بشر کنونی می‌گردد و چون امری مفید و باقابلیت‌های بهره‌وری برای همگان شناخته می‌شود، بنابراین عقلاً مفید و مشروع است و به همین سبب می‌تواند از مبانی است صلاح و جواز فقهی آن شمرده شود.

ضمناً نگارنده در پژوهش حاضر بر این باور است که انواع فرآیند همسان‌سازی‌ها اعم از تحقیقی (پژوهشی) درمانی و تکثیری، اساساً خلقت تلقی نمی‌گردد و نوعی صنعت آزمایشگاهی محسوب می‌گردد و برخلاف ادعاهای برخی دانشمندان اخلاق‌گرا هیچ دخالتی مستقیم یا غیرمستقیم در مشیت‌آمرانه واجب‌الوجود تلقی نمی‌گردد زیرا خلق و خلقت منحصر است به هستی بخشیدن به عدم که مختص ذات احدیت است و در این فرآیندهای مصنوعی و آزمایشگاهی صرفاً یکی از مخلوقات هستی (انسان فاعل اقدام همسان‌سازی) بنا بر تصمیم، مشیت و راهنمایی خالق هستی اقداماتی اندک انجام می‌دهد که همانند سایر مصنوعات مثل ساختن کامپیوتر و ماشین‌های مدرن اقدامی است غیرمداخله‌جویانه و صرفاً تصنعی و نه خالقانه - که ویژه ذات احدیت است زیرا هم‌چنان برای چنین مصنوعاتی سبب تامه همان خالق هستی‌بخش است و همان‌طور که کتاب آسمانی وعده داده است، قرار است بشر جانشین خدا در زمین و اشرف مخلوقات باشد و برای نیل و رسیدن به این هدف متعالی و آن غایت واقعی و بر مبنای مشیت الهی هم‌چنان و مستمراً باید بکوشد باید تحقیق و پژوهش کند باید بیاموزد و بایستی از زیان‌های خود و بقیه مخلوقات بکاهد و در جهت ارتقاء و تعالی و سودآوری همه‌جانبه به همه خلائق کوشا باشد و همگی این اهداف متعالی در این علوم نوین (فرآیندهای همسان‌سازی) یقیناً موجود می‌باشد.

اگرچه در واقعیت دی.ان.ای، ژنوم و ژن‌ها همان قدرت تعیین‌کننده و شاخص برای خلق موجودات در اشکال و کیفیت‌های خود می‌باشند لیکن ژنوم و دی.ان.ای و ژن‌ها به‌عنوان سببی از اسباب خالق هستی و مخلوقی از

حقیقت آن است که چون فرآیند همسان‌سازی مصنوعی (استنساخ) امری نوین، جدید و در مسیر تکامل و پویایی خود قرار دارد، در همه انواع خود به نظر نگارنده موجب کاهش عسر و حرج، سختی و مشقت نوع بشر خواهد شد و موجب سودآوری و فایده اقتصادی - اجتماعی بی‌شماری است و به همین سبب ادامه تحقیق و گسترش این فرآیندهای بیوتکنولوژیک جدید، نوعی کمک عالمانه به کاهش رنج و درد و آلام بشر در درمان بیماری‌ها و تداوم اصل حداکثر فایده سودمندی اجتماعی و اقتصادی آن است و وضع تصمیم‌گیری برای نظام‌مندی این فرایندها و وضع قوانینی که آن را ضابطه‌مند نماید می‌بایست به زمان‌های آتی موکول گردد یعنی زمانی که فرآیندهای همسان‌سازی مصنوعی برخی مصنوعات خود را به صورت موجودات همسان‌سازی شده ایجاد نموده است و مصادیق عینی و مشهود از همسان‌های ایجاد شده به‌طوری فزاینده و ملموس و عینی و به طور فراوان قابل دسترس باشد و در این شرایط است که قضاوت یقینی در خصوص رعایت الزامات و نواهی مورد نظر قانون‌گذار و در جهت تحکیم نظم و امنیت جامعه مقدور و میسر خواهد گردید که در حال حاضر چنین شرایطی مهیا نیست و ضابطه‌مند نمودن فرآیندی که هنوز هیچ مصداق عینی و ملموس و مشهود ندارد یقیناً مداخله زود هنگام و غیرمنصفانه در مسیر اصل مسلم آزادی و اختیار بشر در اقدامات معقول علمی و عرفی تلقی می‌گردد و وضع چنین قوانینی عملاً انسداد این فعالیت‌های علمی و نوگرایانه را رقم خواهد زد و چنین به نظر می‌رسد که هر نوع محدودیت در مسیر این اقدامات نوآورانه و واکنش‌های سلبی مربوط به آن، فرصت‌های پیشرفت و تکامل را برای حداکثر سودمندی و حداکثر بهره‌وری پزشکی آن می‌کاهد.

پژوهشگر در این تحقیق معتقد است که قوانین مصوب نظام قضایی کامن‌لا در خصوص فرآیندهای همسان‌سازی تولیدمثلی در انگلستان بسیار سخت‌گیرانه بوده و منطبق با نیازهای کنونی بشر نمی‌باشد و تحت سیطره و دیدگاه مدیران محافظه‌کار در مورخ ۲۱ نوامبر ۲۰۰۱ در مجلس اعیان، تصویب‌گردیده است و عملاً و منطقی با اصول و متمم‌های قانون اساسی انگلستان که حاکمیت مسلم و

با استفاده از دیدگاه‌های فقهای معاصر و با استفاده از اصل استصلاح، چنین مستفاد و استنباط می‌گردد که انواع فرآیندهای همسان‌سازی در حقوق کیفری ایران اقدامی هدفمند، قانون‌مند، آزادانه، آگاهانه، سودمند و مفید و مطابق با نیازهای روبه‌گسترش بشر امروز و موافق با حقوق و منافع عمومی جامعه و اخلاق، نظم و امنیت جامعه و در راستای اصل حاکمیت آزادی‌های فردی است و چون حداکثر احترام را به نفس و جان انسان قائل می‌باشد و هیچ‌یک از اصول منشور اخلاق زیستی و اسلامی را نقض نمی‌نماید؛ بنابراین انواع فرآیندهای همسان‌سازی در حقوق ایران به شرحی که در پژوهش مورد مطالعه و انعکاس قرار گرفته است به نظر نگارنده و پژوهشگر، مطابق با اصله‌الاباحه عقلاً و شرعاً قانونی، مشروع و مباح تلقی می‌گردد و فاقد وصف مجرمانه است، درحالی‌که در حقوق کیفری نظام انگلستان صرفاً همسان‌سازی‌های تکثیرگرایانه و تجارت سلول تخم و سلول تخمک و سلول حاوی میتوکندری، که مرتبط با این نوع از همسان‌سازی باشد، غیرمجاز تلقی گردیده و مشمول جریمه و جزای نقدی است. به‌طوری‌که مطابق با قانون مصوبه ۲۱ نوامبر ۲۰۰۱ در مجلس اعلائی انگلستان اقدامات تکثیرگرایانه و هر نوع فعالیت‌های مرتبط با آن از جمله خرید و فروش سلول تخم، سلول تخمک، سلول اسپرم، سلول حاوی میتوکندری و جنین‌های پرورش‌یافته به‌منظور تکثیر مشمول حداکثر ۱۰ سال مجازات حبس یا پرداخت جزای نقدی معادل حداکثر ۱ میلیون پوند خواهد گردید.

ضمناً در تحقیق انجام‌شده هیچ قاعده یا قانون عرفی که در خصوص انواع فرآیندهای همسان‌سازی در سطح نظام حقوقی انگلستان مقرر شده باشد، یافت نگردید. به نظر نگارنده قوانین موضوعه و محدودکننده در نظام قضایی انگلستان به شرحی که ذکر گردیده است با اصول بلامنازع قانون اساسی انگلستان که حامی بی‌قیدوشرط اصل اختیار و آزادی گسترده انسان می‌باشد، متعارض شناخته می‌شود و از نظر نگارنده نیاز به تجدیدنظر اصلاحی و ساختاری دارد.

- خلفی، مسلم (۱۳۸۵). «اهدای جنین در پرتو فقه و حقوق (قسمت پایانی پیامدهای حقوقی)». *مجله مطالعات راهبردی زنان*، ۹(۳۴): ۱۱۱-۱۴۶.

- صادقی، محمود (۱۳۸۳). *هماندسازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی - اخلاق زیستی از منظر حقوقی - فلسفی و علمی*. چاپ اول، تهران: نشر مشترک سازمان سمت و دانشگاه علامه طباطبائی.

- فضل‌الله، سید محمدحسن (۱۹۹۷). *الاستنساخ جلد العلم و الدین و الاخلاق (مجموعه من المؤلفین)*. الطبعه الاولى، دمشق: دارالفکر.

- مرقاتی، سیدطاها (۱۳۸۶). *حقوق مدنی تطبیقی (بررسی میانی احکام تکلیفی تلقیح مصنوعی)*. جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی (مؤسسه حقوق تطبیقی).

- مرکز تحقیقات قوه قضائیه (۱۳۸۱). *مجموعه آرای فقهی - قضایی در امور حقوقی*. چاپ اول، تهران: نشر معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه.

ب. منابع انگلیسی

- Fakor H (2018). "Study on the criminalization of human cloning in Iranian law". *Journal of Political Science -Law and Jurisprudence Studies*, 2(11):145-170.

- Ghorban Nia, N (2009). "Considerations regarding the World Declaration on Bioethics and Human Right". *Ethics in Science and Technology Quarterly*, 4(1): 133-138.

- Lang Mans, E(2019). *Medical Embryology*. Thirty-third ed., New York: Oxford University.

- Meselson M (1961). "Weigle J J. Proc Natl". *Acad Sci USA*, 15(47): 857-868

- Patterson, D (1987). *Principles and foundations of genetics*. 1st ed., Tehran: Farhang and Honar Publications.

قطعی اراده انسان را به رسمیت می‌شناسد، در تعارض آشکار است و نیاز به بازنگری جدی دارد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نویسنده اول به‌عنوان نویسنده مسؤوول و نویسندگان بعدی به‌عنوان همکار می‌باشند.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی (۱۳۸۸). *دانشنامه حقوق خصوصی*. جلد اول. چاپ دوم. تهران: انتشارات جنگل.

- بجنوردی، سید محمد و جبار زارع، مرضیه (۱۳۸۸). «بررسی نسب کودکان ناشی از تلقیح مصنوعی با رویکردی بر نظر امام خمینی». *پژوهشنامه متین*، ۱۱(۴۵): ۲۱-۴۰.

- پژوهشکده ابن‌سینا (۱۳۸۲). *روش‌های نوین تولیدمثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق*. چاپ دوم، تهران: سمت.

- جواهری، حسن (۱۳۸۵). «تقسیم جنینی و شبیه‌سازی». *نشریه فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)*، ۱۳(۴۷): ۸۱-۱۰۸.

- حائری، سید کاظم (۱۴۱۹). *استفتای شماره ۱۰۹۲*. قم: موجود در دفتر ایشان.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. جلد دوازدهم، چاپ دهم، قم: مؤسسه آل‌البیت.

- Rasekh, M & Khodaparast, AH (2010). "The Realm of Bioethics". *Fertility and Infertility Quarterly*, 11(4): 278-277.

- Salabaro F(2003). *Ethical Laws*. 1st ed., Tehran: Legal Publications.

- Skage, J (1998). *Law- Ethics and Medicine*. 1st ed., Tehran: Paya Publications.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی